

کارکرد هنری قافیه در شعر یدالله بهزاد کرمانشاهی با نگاهی سبک‌شناسانه (با تکیه بر تعداد حروف مشترک) (ص ۲۶۷ - ۲۸۳)

اسحاق طغیانی (نویسنده مسئول)^۱، یوسف کرمی چمه^۲، حسین سلیمانی^۳
تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۱/۲۹
تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۳/۲۰

چکیده

شعر یدالله بهزاد کرمانشاهی شاعر معاصر، از جهات گوناگون قابل بررسی و تحلیل است. از مباحث عمده ادبی که می‌تواند در شعر او مطرح گردد، توجه فراوان وی به موسیقی کناری (ردیف و قافیه) است. بهزاد به خوبی از بار موسیقایی قافیه آگاه بوده و در شعر خویش قافیه‌های متنوعی را به کار گرفته است. قافیه را در شعر او از جهت تعداد حروف آن می‌توان به هفت دسته تقسیم کرد. تعداد حروف مشترک قافیه در شعر او از یک حرف گرفته و گاه تا هشت حرف می‌رسد.

بهزاد در اشعار خویش به تناسب قافیه با موضوع و محتوای شعر توجه ویژه‌ای داشته و به منظور القای حس و حال و مضمون مورد نظر خویش، موسیقی قافیه را اغلب با موسیقی ردیف همراه ساخته است. از منظر سبک‌شناسی، توانمندی شاعران را می‌توان با توجه به قافیه‌های شعر آنان سنجید. از همین روی، نویسندگان این مقاله به بررسی قافیه از جهت حروف مشترک در شعر بهزاد پرداخته‌اند.

کلمات کلیدی

قافیه، حروف مشترک قافیه، موسیقی شعر، تناسب معنایی، یدالله بهزاد، سبک‌شناسی

۱. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان kykaramicheme@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر آموزش و پرورش استان زنجان

۱- مقدمه

در بررسی شعر شاعران، توجه به همه عناصر و اجزای تشکیل دهنده شعر آنان ضروری است. از جمله عناصر مهم شعر، قافیه است که محققان حوزه ادبیات به نقش آن در القاء معانی و انتقال حس شاعر و دیگر کارکردهای آن، توجه دارند. شاعران نیز با نقش قافیه در شعر آشنایی داشتند و در آثار خود به طرق مختلف در باب جایگاه و اهمیت آن در شعر سخن گفته‌اند.

از میان شاعران زبان فارسی، یدالله بهزاد کرمانشاهی، نگاهی ویژه به قافیه دارد و در انتخاب قوافی شعر خویش دقت خاصی دارد. بر همین اساس، به منظور شناخت میزان قدرت شاعری او، با رویکردی سبک‌شناسانه امکانات هنری قافیه در شعر وی مورد بحث قرار گرفته است. در این رهگذر ابتدا نگاهی کوتاه به زندگی و شعر وی افکنده و سپس مطالبی در باب قافیه و نقش آن در شعر آورده و در ادامه به بررسی این مباحث در شعر بهزاد توجه خواهد شد.

شیوه پژوهش در این مقاله، کتابخانه‌ای و بر اساس تحلیل و توصیف محتواست. ابتدا مباحث تئوری بحث مورد مطالعه قرار گرفت و چارچوب نظری پژوهش، تدوین گردید و در ادامه اشعار بهزاد مطالعه و بررسی شد. ضمن مطالعه اشعار شاعر، موارد منطبق با چارچوب پژوهش یادداشت گردید و در پایان صورت نهایی مقاله نگاشته شد.

۲- زندگی و شعر بهزاد

یدالله بهزاد کرمانشاهی در نیمه بهمن ماه سال ۱۳۰۴ ش. در کرمانشاه به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دریافت دیپلم علمی و ادبی، در سال ۱۳۲۶ ش. در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران آغاز به تحصیل کرد و شاگرد استادانی چون: ملک الشعرای بهار، فروزانفر، بهمینار، پورداود، خانلری و معین گردید. سپس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و با عنوان دبیر شروع به فعالیت کرد تا اینکه در سال ۱۳۵۹ ش. به درخواست خود بازنشسته شد و سرانجام در پنجم فروردین ۱۳۸۶ دار فانی را وداع گفت (ر.ک: مجله گوه‌ران، شماره ۱۷. خرداد ۱۳۸۷: ۱۳-۱۰).

بهزاد شاعری توانا بود که از خود آثاری گرانقدر به یادگار نهاد. از جمله دفاتر شعر وی باید دفتر گزیده سخن، سخنی دیگر، خرده سخن، سخن چهارم و سخن پنجم را نام برد. همچنین در سال ۱۳۸۱ ش. انتشارات آگه گزیده‌های از اشعار بهزاد را با انتخاب شفیع کدکنی با عنوان گلی بیرنگ چاپ کرد.

یدالله بهزاد در اغلب قالب های شعری مانند قصیده، غزل، مثنوی، شعر نو ... طبع آزمایی کرده است ولی اوج قدرت او در شاعری در شیوه سنتی شعر است. در همین ارتباط برخی از محققان عقیده دارند که وی «ساختارهای شعر کلاسیک را به خوبی می شناسد» و در این ساختار، نوآوری‌هایی نیز دارد. از جمله نوآوری‌هایش که در شعر لطفعلی صورتگر و حمیدی شیرازی هم دیده میشود «ساده کردن سبک خراسانی» است تا آنجا که به سبک عراقی نزدیک میگردد (برگهائی از تاریخ بیقراری ما: ۱۵).

اوج توانایی این شاعر در سرودن غزل است که برخی غزل او را غزل میانه دانسته‌اند. (شعری ملتزم به بیداری: ۶۹) غزل او اغلب در رفت و آمد میان سبک خراسانی و سبک عراقی است و در مجموع ساده و روان است اما با این حال در برخی از غزل‌ها به سبک هندی نیز گرایش دارد. (برگهائی از تاریخ بیقراری ما: ۱۷ و ۱۶)

در شعر بهزاد مضامین متنوعی مانند: یاد عزیزان، ستایش وطن، اخوانیه، لحظه‌های عاشقانه و مضامین مذهبی نمایان است. در این میان به مضمون وطن و دفاع مقدس و آنچه تحت عنوان «شعر مقاومت» شناخته میشود، توجه خاصی دارد.

۳- تعریف قافیه

قافیه «حرف یا حروف یکسانی که در آخر مصراع اول و دوم (در قالب مثنوی و بیت اول در قالب های غزل، قصیده، رباعی، دو بیتی و...) یا در آخر ابیات در غزل و قصیده و قطعه تکرار میشود، به شرط آنکه این حروف تشکیل یک واحد معنی دار را ندهد (انوری، ذیل قافیه). تعریفی که موجزتر و کاملتر از تعاریف دیگر است از خواجه نصیر الدین طوسی است. وی قافیه را چنین تعریف میکند: «گوییم اگر کسی خواهد که تعریف قافیه کند به وجهی که به تحقیق نزدیک بود، بر این وجه باید گفت که قافیه عبارت است از مجموعی که مولف باشد از حرفی یا حروفی که واجب باشد که در کلمات متشابه در اواخر ابیات یا مصراع‌ها بود مکرر یا در حکم مکرر باشد به حسب اصطلاح». (اساس الاقتباس: ۱۳۰)

۴- نقش قافیه در القاء معانی

شاعر اگر بخواهد حالتی موثر و پویا به شعرش بدهد به گونه‌ای که مضامین و حال و هوای مورد نظرش به نیکی به خواننده شعرش انتقال یابد، باید قافیه‌ای همسو با مضمون کلی شعر برگزیند زیرا قافیه به دلیل تکرار در تمام شعر، موجب میشود سخنی که شاید به جمله نیاید و حالتی که قابل بازگویی نیست به خواننده منتقل شود. بر این اساس درباره قافیه

می‌گویند: «اگر کلمه‌ای که در شعر اهمیتی بیشتر دارد از این تشخص صوتی برخوردار شود، صوت و معنی هماهنگ میشوند و یکدیگر را تقویت میکنند و در القای مفهوم و حالت شعر تأثیر بیشتری دارند. حتی مینویسند اگر صورت قافیه به نوعی با معنی و مفهوم بیت همکاری و همگامی نداشته باشد، قافیه به هدر رفته است و شاعری که تعداد زیادی کلمات نامهم را در محل قافیه بنشانند برخی از این فرصت‌ها را از دست داده است.» (موسیقی کلمات در شعر فردوسی: ۲۶۳)

از میان کلمات قافیه در یک شعر، آنچه نوعی نظم و تناسب موسیقایی ایجاد میکند، حروف قافیه است. این حروف در بافت کل شعر برجستگی و امتیازی دارند که غیر قابل انکار است. این امتیاز از دو جهت برای حروف قافیه حاصل میشود. ابتدا از این جهت که فراوانی و بسامد این حروف در میان تمام حروف شعر بیشتر است به دلیل اینکه تکرار میشوند و دیگر اینکه تکرار این حروف ایجاد نظم موسیقایی در شعر میکند که اهمیت زیادی دارد.

شاعر با آوردن حروف قافیه‌ای که یاری‌گر او در انتقال معناست، تأثیر شعرش را در خواننده دو چندان میکند به عنوان مثال: «مصوت بم = ه و حشت بیابان را بهتر مجسم می‌کند و مصوت زیر ای = آ با رسیدن بهار و دعوت به شادی مناسب تر است. «ن» غنه‌ای دارد که طنینی خاص به کلام میدهد، حرف شین، خروش و شیهه اسب‌ها را می‌رساند» (همان: ۲۸۴).

۵- قافیه و موسیقی شعر

شاید بتوان گفت آشکارترین تأثیری که قافیه در شعر از منظر موسیقایی دارد، این است که قافیه در محور عمودی و در طول شعر لذت موسیقایی را بوجود می‌آورد که واج آرایی در محور افقی یک شعر. زمانی که خواننده شعری از تکرار حروفی در یک بیت که واج آرایی نام دارد، لذت می‌برد، بی‌گمان از تکرار حروف خاصی در طول شعر نیز لذت می‌برد. البته باید گفت همان‌گونه که واج آرایی تنها یک تکرار صرف نیست و این تکرار ارتباط مستقیم با معنای بیت دارد و آن را به ذهن القاء میکند، قافیه نیز تنها تکرار در طول شعر نیست و در بیان مفهوم نیز یاریگر شاعر است.

بر این اساس است که می‌گویند «قافیه در شعر تنها تکرار یک هجا یا هجاهای پیشین نیست بلکه علاوه بر این، ارزش بلاغی هم دارد و نیز ممکن است اثراتی دیگر در موسیقی شعر و القای مفهوم آن و خیال‌انگیزی و حسن تأثیر سخن نیز داشته باشد. مثلاً یکی از بهترین شیوه‌های و تأکید و تکیه بر کلمه، قرار دادن آن در قافیه است. کلمه‌ای که در صدر

سخن، عجز یا قافیه بیت قرار میگیرد، از نظر صوتی ارزش خاصی پیدا میکند و در این میان کلمه قافیه از همه برجسته تر است». (همان: ۲۶۳)

حال میتوان چنین بیان کرد که واج آرایبی در یک شعر زمانی ارزش دو چندان پیدا میکند که علاوه بر ارتباط و تناسب کامل آن با مفهوم بیت، از بسامد بالایی نیز برخوردار باشد؛ بدین معنا که اگر خواننده شعر، یک حرف را با فراوانی تکرار پنج بار در بیت ببیند لذتی حاصل از واج آرایبی در می یابد، حال اگر این فراوانی تکرار به ده برسد و یک حرف در بیت ده بار تکرار شود، لذت حاصل از آن دو چندان میشود و القای مفهوم از طریق این واج آرایبی نیز، با قوت بیشتری صورت میگیرد. درباره حروف قافیه نیز، وضع چنین است یعنی زمانی که تعداد حروف مشترک قافیه در شعر تنها یک حرف است، تکرار آن حرف ایجاد موسیقی میکند و حاصل آن لذت خاصی است که به شنونده شعر منتقل میشود. اما اگر این حروف مشترک در قافیه به عنوان مثال به سه حرف برسد و در واقع سه حرف در طول شعر دائماً تکرار شوند، یقیناً تأثیر و لذت حاصل از آن دو چندان خواهد شد.

۶- قافیه در شعر بهزاد

قافیه عنصری در شعر است که نشانگر توانایی شاعر در سرودن شعر است. به این معنا که علاوه بر لغات و حروفی که او برای قافیه بر میگزیند و آنها را به عنوان کلمات قافیه در شعر مطرح میکند، چگونگی تناسب بین کلمات قافیۀ ابیات شعر و در نهایت کلمات قافیه با کل شعر نیز مهم است. اینکه شاعری صرفاً لغاتی هماهنگ را در آخر ابیات بیاورد، شعر محسوب نمیشود بلکه باید این واژه‌ها علاوه بر هماهنگی موسیقایی که با هم دارند، پیوندی قوی در ارتباط با دیگر لغات بیت و شعر داشته باشند.

اهمیت قافیه در شعر موجب شده است که در علم بدیع صنعتی به نام «توسیم» مطرح گردد. در این صنعت کلمۀ اصلی و مورد نظر شاعر، همچون نام ممدوح، در قافیه مینشیند و قافیه‌های دیگر شعر را تعیین میکند و به دنبال خود میکشد. (المعجم، شمس قیس رازی: ۳۷۳)

شاعران فارسی نظر به اهمیت قافیه در شعر نگاه ویژه‌ای به آن داشته‌اند. در همین ارتباط در باب قافیه در شاهنامۀ فردوسی، گفته‌اند که وی «نیک پاس قافیه را مینهد و در کاربرد آن بپروا و خرده سنج و باریک بین است» و اوج چیره دستی و شیرینکاری فردوسی را در قافیه‌های شاهنامه دانسته‌اند. (آب و آئینه: ۳۵)

یدالله بهزاد نیز شاعری است که به اهمیت قافیه در شعر پی برده و با وجود آنکه در دوران معاصر برخی نظریه‌ها در باب حذف قافیه - به معنای کلاسیک آن - مطرح شد، در اشعار وی قافیه جایگاه ویژه‌ای دارد. قافیه در شعر وی هم تنوع بسیار دارد و هم در تناسب کامل با مضمون و محتوای شعر است. در شعر وی قافیه‌هایی با دو حرف مشترک و بیشتر، فراوان است. تعداد حروف مشترک در قافیه‌های شعر وی گاه به هشت حرف نیز می‌رسد. از آنجا که هر چه حروف قافیه بیشتر باشد، قافیه هنریتر است، بررسی شعر بهزاد از این جهت نشان می‌دهد که قافیه در شعر او هنری است.

قافیه محل ظهور هنر شاعری یک شاعر است. افزونی حروف مشترک قافیه وابسته به قدرت شاعر است. قافیه‌ای که تعداد حروف مشترک بیشتری دارد، کلمات آن بیشتر به هم شبیه‌اند و رو به همسانی می‌روند و هر چه قافیه‌ها از این نظر قویتر باشند، همانند ردیف، تکرار یک کلمه صورت می‌گیرد و این تکرار خود موسیقی آفرین است. در ادامه این مطلب به بررسی قافیه در شعر بهزاد با توجه به تعداد حروف مشترک آن پرداخته خواهد شد.

۶-۱- قافیه با یک حرف مشترک

در شعر بهزاد بسامد قافیه با یک حرف مشترک اندک است و تنها یک نوع قافیه را شامل می‌شود. حرف قافیه (آ) که تنها در شش شعر بهزاد به کار گرفته شده است. در آثاری که درباره قافیه در شعر فارسی تحقیق کرده‌اند، قافیه (آ) را دارای بیش از ۲۵۰۰ واژه دانسته‌اند. (فرهنگ قافیه در زبان فارسی: ۱۳۸۱)

ویژگی موسیقایی این حرف این است که چون مصوتی بلند و بدون حرکت است، چندان مناسب مضامین شاد نیست. بهزاد نیز آن را برای مرثیه سرایی به کار برده است. در یکی از بندهای ترکیب بندی که وی با عنوان «سوگ تختی» سروده، این حرف قافیه را به کار گرفته است:

جهان پهلوانا چرا خفته‌ای که بیدار شد فتنه تا خفته‌ای
(گلی بیرنگ: ۷۵)

نکته دیگری که در باب این حرف قافیه در شعر بهزاد قابل ذکر است این که وی به تناسب میان حروف قافیه و معنا و موضوع اصلی شعر توجه خاصی داشته است. در شعری که با عنوان «صحبت ما» سروده است این مطلب به خوبی دیده می‌شود. با توجه به آنکه مخاطب این شعر، یکی از عزیزان شاعر به نام «حمیرا» است، شاعر قافیه (آ) را انتخاب کرده است که تکرار وطنین این حرف در طول شعر به نوعی تکرار کننده واژه محبوب وی است.

شاعر با تکرار هنری این حرف قافیه در نهایت نام محبوب خویش را در جایگاه قافیه قرار میدهد:

آمدی باز که همرازِ دلِ ما باشی یا که با جمع در آمیزی و تنها باشی...
نبری تلخی ایام ز کامم «بِهزاد» و به شیرینی گفتار حمیرا باشی
(۲۰۲ و ۲۰۱)

نمونه دیگری که نشان دهنده دقت شاعر به تناسب این حرف قافیه با موضوع شعر است، شعر «رنگ ریا» است. برخی از کلمات قافیه در این شعر «گِوا، شِما، صِفا، شِفا، روا، راهنما و خدا» است. ذکر این کلمات به همراه تکرار ردیف «نیست»، به گونه‌ای جایز نبودن ریا را تأکید میکند و مبارزه شاعر با ریا را نشان میدهد. از منظری دیگر قرار دادن این کلمات در محل قافیه نمایانگر آن است که شاعر تحقق این مفاهیم را با وجود ریا ممکن نمیداند:

هر جا که شمائید ز غوغای کدورت تنها نه به دلها که در آئینه صفا نیست
(۲۳۲)

اغلب اشعار شاعر در این قافیه، با ردیف همراه شده‌اند که بیگمان بار موسیقایی شعر را افزونتر کرده است.

۶-۲- قافیه با دو حرف مشترک

مجموعاً در شصت و هشت شعر، قافیه با دو حرف مشترک به کار گرفته شده است که در ذیل چهارده نوع قافیه قرار میگیرد. پرکاربردترین این انواع عبارت است از «ن» در چهارده شعر، «ر» در دوازده شعر، «آر» در یازده شعر و «آن» در یازده شعر. حروفی که سهم بیشتری در تشکیل قافیه های دو حرفی داشته‌اند «ن، آ، ن، ر» است.

از میان انواع قافیه، قافیه با حروف مشترک «ن» در شعر بهزاد جلوه بیشتری دارد و چنانکه نموده شد، در چهارده شعر وی این قافیه به کار رفته است. بر این اساس میتوان نتیجه گرفت که بهزاد شیفته قافیه «ن» و کلماتی که به این حروف ختم میشوند، است. کلماتی مانند: وطن، میهن، زن، زیستن، کفن، جوشن، دشمن، تهمت.

درباره حرف «ن» و ویژگی روانشناسی آن آورده‌اند که «ن» غنهای دارد که طنین خاصی به کلام میدهد. (موسیقی کلمات در شعر فردوسی: ۲۸۴) این به دلیل وجود قافیه‌های همسو با این حالت خاص است اگرچه تمام حروف یک شعر در این قضیه

سهیمند، ولی آشکار است که قافیه به دلیل تشخیص و برجستگی آن، در القای حس و حال شعر به خواننده موثرتر است.

آنگونه که از واژه‌های این قافیه در شعر بهزاد دیده میشود و با عنایت به ویژگی خاص این قافیه، میتوان نتیجه گرفت که بهزاد نسبت به القای هر چه بیشتر حس و اندیشه خود به خواننده اهمیت فراوانی قائل است. انتخاب کلماتی مانند: وطن، میهن، نشیمن و اسطوره‌های ملی مانند: تهمتن از یک طرف بیانگر ارزش فراوان وطن برای شاعر و از طرف دیگر نشانگر توجه وی به ایجاد تناسب میان حروف قافیه با اندیشه اش است.

از میان اشعاری که استاد بهزاد در این قافیه سروده است میتوان به شعری با عنوان «زادبوم» و غزل وطنی «من با توام» و قصیده «مادر» و غزل «جلوه عشق» اشاره کرد:

در میان آتش و خون، ای وطن، من با توام ور بیاید گفت ترک جان و تن، من با توام (۱۱۱)
نکنم زاد بوم خویش رها که گرمی ترم ز میهن نیست
گو: بمان و بنام نیک بمیر چند گویی که جای ماندن نیست (۱۲۰)

در ابیاتی که ذکر شد، شاعر مفهوم وطن را پرورده است. برخی از مهم‌ترین و نغزترین اشعار وطنی بهزاد، پس از حمله عراق به ایران سروده شده است. در این اشعار، شاعر را میبینیم که همچون مجاهد و مبارز وطن دوستی، از در خطر قرار گرفتن وطن برانگیخته شده و در فکر نجات میهن و هم میهنان است.

بهزاد شعر دیگری با این قافیه سروده است که در آن به تکریم مقام مادر و زن پرداخته است. در این شعر به مناسبت مقام مادر و اشاره به مهربانی و لطافت او، کلماتی که در جایگاه قافیه قرار گرفته‌اند مفهومی لطیف و دلنشین دارند، کلماتی مانند: روشن، گلشن، مزین، لادن، سوسن و زن.

این ماه مهربان که ازو خانه روشن است سرمایه سعادت من مادر من است (۱۰۰)
پس از قافیه «ن» باید از قافیه «ر» یاد کرد که در اشعار شاعر از اهمیت بسیاری برخوردار است. قافیه‌ای که از یک مصوت کوتاه و صامتی ساکن تشکیل شده است. اغلب اشعاری که بهزاد در این قافیه سروده دارای ردیف است.

شعری با عنوان «دوست دارم» که برای مهدی اخوان ثالث گفته شده و غزلی با عنوان «خانه تو» و غزلی دیگر با عنوان «نواى عشق» و شعری برای حضرت فاطمه (س) و نیز بندی از ترکیب بند «سوگ تختی» در این قافیه سروده شده است.

در شعر «دوست دارم» که متأثر از شعر «ترا ای کهن بوم و بر» مهدی اخوان ثالث است، شاعر به ستایش شعر و نثر و طبع و اندیشه اخوان ثالث پرداخته است. موضوع و مخاطب

این شعر و نیز انتخاب حروف قافیه «ر» که فخامت و استواری خاصی دارد، زبان این شعر را بیشتر از دیگر اشعار بهزاد به زبان و سبک خراسانی نزدیک کرده است:

ترا ای بزرگ اوستاد سُخنور، من از همگنان بیشتر دوست دارم...
هر آنکو چو تو مهر ورزد به ایران منش، ور چه خصم پدر، دوست دارم
(۱۵۳ و ۱۵۲)

از اشعار دیگری که بهزاد در این قافیه سروده است می‌توان به دو بیت‌ی او با عنوان «فاطمه ام اییها» اشاره کرد. این شعر نمایانگر اعتقاد خالص شاعر به اهل بیت (علیهم السلام) است.

دُختی که شود مام پدر فاطمه است وز حادثه شوی را سپر فاطمه است
زن را مه و مهر همسری نتوانند معیار جلال زن اگر فاطمه است (۲۰۴)
در بیت اول این شعر، شاعر با قرار دادن کلمات «پدر و پسر» در جایگاه قافیه و انتخاب ردیف «فاطمه است» آگاهی خود را از نقش و جایگاه حضرت فاطمه (س) در تاریخ اسلام و زندگی پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) نشان داده است.

از موارد دیگر توجه بهزاد به تناسب قافیه با موضوع شعر، بندی از ترکیب بند «سوگ تختی» است. در این بند به مناسبت یاد کرد پهلوانیهای این قهرمان ملی، شاعر واژه‌هایی برای قافیه برگزیده است که تاکید‌کننده مضمون و محتوای شعر است و بار حماسی شعر را بالا برده است. کلماتی مانند: دلاور، یاور، بر، قَر.

چو با زندگی عزت و قَر، نماند دل پهلوان را غم سر نماند (۷۳)
از میان قافیه‌های دو حرفی، قافیه با حروف مشترک (آر) نیز در شعر بهزاد بسامد قابل توجهی دارد. این قافیه در یازده شعر شاعر به کار رفته و اغلب با ردیف همراه شده است. ترکیب یک مصوت بلند که القاگر نرمی و در عین حال حرکت و پویایی است و صامتی که تکرار و رقص و استحکام را میرساند، این قافیه را برای بیان حالات شاعر مناسب کرده است:

این دست دُرشت پینه بسته پرورده کوشش است و کار است (۱۰۵)
در این شعر که عنوان «دست کارگر» را بر پیشانی خود دارد، شاعر به مسائل و مصائب زندگی کارگری توجه کرده است. به نظر میرسد زندگی در محیط خاص کرمانشاه و لمس کردن فضای کار و کوشش حاکم بر آن، در سرودن این شعر بی‌تاثیر نبوده است. مسئله‌ای که دیگر شاعران و ادیبان کرمانشاهی را نیز به خود مشغول کرده است. ابوالقاسم لاهوتی – که البته متأثر از مارکسیسم نیز بود – را با عنوان یکی از پیشگامان شعر کارگری میشناسند.

مضمون داستانهای علی اشرف درویشیان و نیز بسیاری از آثار علی محمد افغانی، مسائل زندگی کارگری، اشاره به رنج و محرومیت و فقر ستیزی است. همچنین از میان ادیبان دیگر امروز کرمانشاهی، میتوان محمد علی گودینی را نام برد که در آثار خود به این مضامین توجه کرده است.

شعر دیگری که با این قافیه سروده شده است، «دو فرشته» نام دارد و شاعر آن را برای خواهران خویش سروده است. برخی از کلمات قافیه در این شعر عبارتند از: یار، حصار، پاسدار، غمگسار، اعتبار، بزرگوار و افتخار. انتخاب این کلمات به عنوان قافیه نشانگر توجه شاعر به تناسب قافیه با موضوع شعر است:

دو فرشته به خانه یار منند ور بلایسی رسد حصار منند (۱۳۵)

قافیه با حرف مشترک «آن» نیز از قافیه‌های مورد علاقه شاعر است. این نوع قافیه در نزد اغلب شاعران دلپسند است. این امر شاید به دلیل آن باشد که کلماتی که به «آن» ختم میشوند بسیار است و شاعر در سرودن شعر با مشکل چندانی مواجه نخواهد شد. محقق پس از بررسی قافیه‌های شاهنامه نتیجه گرفته است که «بیشینه قافیه‌های هنری در شاهنامه، قافیه‌های آن اند». (اب و آئینه: ۳۸)

یدالله بهزاد در این قافیه یازده شعر سروده و روانی و تناسب این قافیه، موجب شده است تا شاعر به ردیف نیز فکر کند و موسیقی قافیه را با موسیقی ردیف همراه سازد. از جمله اشعار بهزاد که در این قافیه است، باید اشعاری را با عناوین «اسیر وفا، محرومیم چه خواهی، سایه لرزان، فیض امیر و صلا ی بلا» نام برد. برخی از کلماتی که شاعر در جایگاه، قافیه قرار داده عبارتند از: جان، طوفان، درخشان، چراغان، گلستان، بیابان، نشان، مهربان، جوان، جوادان.

میرسد از طبع سرشار امیرم فیضها ذره‌ام بهزاد از آن خورشید تابان روشنست
(۸۵)

این شعر که با عنوان «فیض امیر» میباشد در ستایش امیری فیروزکوهی، استاد و شاعر برجسته، سروده شده است.

خروش تندرست میگوید این آغاز طوفانست تو سر در خرقة میدزدی که اندک باد و بارانست
(۱۴۹)

قافیه دو حرفی دیگر «آد» میباشد که شاعر چهار شعر در این قافیه سروده است. از جمله اشعار برجسته‌ای که در این قافیه دیده میشود شعری است با عنوان «ولایت علی» که شاعر در آن از ولایت علی (ع) اظهار شادی کرده است:

نه عرشه جیو به مسند بیدادیم نه عشوہ کنان به منبر ارشادیم

زانه‌ها که دل خلق جهان شاد کند تنها به ولایت علی دلشادیم (۲۲۷)

علاوه بر مواردی که بیان شد، قافیه‌های دو حرفی دیگری نیز وجود دارد که البته اشعار کمتری در این قافیه‌ها سروده شده است. مانند: آب، آز، آه، آک، م، ام، ت، او، ل.

۶-۳- قافیه با سه حرف مشترک

قافیه با سه حرف مشترک، متنوع‌ترین نوع در میان انواع قافیه شعر بهزاد است. استاد بهزاد بیست و هشت نوع قافیه سه حرفی را در پنجاه و یک شعر خویش به کار برده است که از این میان پرکاربردترین آنها «آنی» با شش شعر، «آی» با چهار شعر است. حرفی که سهم بیشتری در تشکیل این قافیه‌ها داشته‌اند «آ، ی، ن» است.

قافیه با حروف مشترک «آنی» را بهزاد در برخی از اشعار خویش به کار گرفته است، از جمله در اشعاری با عناوین «خواهش» و «شوق نهانی». در این اشعار، کلمات «نهانی، نوحه خوانی، زندگانی، جوانی، فانی، آنی، خزانی» در محل قافیه قرار گرفته‌اند. نکته قابل توجه درباره این قافیه همراه شدن آن با ردیف در اغلب اشعار شاعر است:

مرگی ز همه خلق نهانی خواهم بی مجلس وعظ و نوحه خوانی خواهم (۲۳۳)
گفتی: «آبا به سرت عشق جوانی باقیست؟» گیرم انکار کنم من، توکه دانی باقیست (۲۳۹)

قافیه دیگر، قافیه با حروف مشترک «آی» است که بهزاد آن را در اشعاری با عناوین «هوای تو، آوای من و...» به کار گرفته است. این نوع قافیه که در ضمن خود معنای دریغ و حسرت را در بر میگیرد، در شعر بهزاد نیز اغلب برای بازتاب این حالات به کار رفته است. تمام اشعاری که با این قافیه سروده شده است، دارای ردیف میباشند. در واقع شاعر چیزی را که نسبت به آن حسرت و دریغ میورزد در جایگاه ردیف قرار داده است تا همنشینی این واژه با قافیه «آی» تحسّر او را بیشتر بنمایاند:

دریغ آن دلیرانه سیمای تو دل و دست چون کان و دریای تو (۷۶)
بر بست غمی زبان گویای مرا جانسوز چو ناله کرد آوای مرا
امروز مرا بدردی آمیخت کزان امید شفا نماند فردای مرا (۱۷۸)

همانگی این قافیه -آی- با ردیف در شعر بهزاد، شعر زیبایی خاقانی را تداعی میکند. شعری که او در آن قافیه «آی» را با ردیف «خاک» همراه ساخته و اوج تناسب میان موسیقی با معنای شعر را ایجاد کرده است. ردیف «خاک» در این شعر بطور ضمنی به نحوه

کشته شدن امام محمد یحیی اشاره دارد و قافیه «آی» از یک طرف فریاد و یاری خواهی انسانی در حال مرگ و از طرف دیگر دریغ و حسرت خاقانی را نشان میدهد. (دیوان خاقانی: ۲۳۷)

علاوه بر این موارد، برخی دیگر از قافیه‌های سه حرفی شعر بهزاد عبارتند از: «اوش، آی، اید، ایچ، آدی، مَرَد، است». در این قافیه‌ها شاعر اشعار بسیار کمی سروده است و حتی برخی از این موارد تنها در دو بیت به کار رفته است که از منظر کاربرد قافیه چندان قابل تحلیل نمیباشند.

۷-۴- قافیه با چهار حرف مشترک

پس از قافیه سه حرفی، قافیه چهار حرفی متنوعترین نوع به شمار می‌آید که شاعر آن را در سی و چهار شعر خویش به کار گرفته است. از این میان قافیه‌های «آتم» و «آهم» هر کدام با پنج شعر و «آبش» با سه شعر پرکاربردترند. حروف «آ» و «م» بیشترین سهم را در تشکیل این نوع قافیه‌ها داشته است.

قافیه با حروف مشترک «آهم» را شاعر در اشعاری مانند: «بی تو، یاد تو، فیض نگاه» به کار گرفته است: برخی از کلماتی که شاعر به عنوان قافیه به کار گرفته است نیز عبارتند از: «نگاهم، گناهم، کَلاهَم، پناهگاهم، پناهم، سیاهم و چاهم».

من که زندانی شب‌های سیاهم بی تو ماه مصرم اگر افتاده به چاهم بی تو (۵۹)

قافیه با حروف مشترک «آتم» را بهزاد در اشعاری با عناوین «ایرانم که هست، یا علی و...» به کار گرفته و در اغلب موارد این قافیه را با ردیف همراه کرده است. در این قافیه

شاعر برخی از مفاهیم مورد علاقه خویش همچون مفاهیم وطنی و اعتقادی را پرورده است:

جایگاهی نیست بهزاد از وطن خوشتر مرا گو نباشد گلشن فردوس، ایرانم که هست (۱۲۲)

نام زیبای تو شد ورد زبانم یا علی تا به دفع هر غمی بخشد توانم «یا علی» (۱۷۶)

در قافیه با حروف مشترک «آبش» استاد بهزاد سه شعر از جمله «پدر چگونه زیست و

سردار قادسی...» سروده است. نکته قابل توجه در این اشعار این است که سه حرف «آ، ب،

ش» علاوه بر کلمات قافیه، در دیگر کلمات شعر نیز از بسامد فراوانی برخوردارند:

هم شد خروش و خشم مدامش از آن من هم رسم و راه پر تب و تابش بمن رسید (۱۳۹)

ایران نشود طعمه گنجشک عقابش صدام بخود خندد و بغداد خرابش (۱۴۲)

این شعر که عنوان «سردار قادسی» را بر پیشانی خود دارد به مناسبت فتح خرمشهر

سروده شده و انتخاب حروف قافیه «آبش» نوعی طنین شاد به آن داده است. شاعر مضمون

دفاع از میهن در برابر دشمن را در شعر بیان کرده است و کلمات قافیۀ شعر با مضمون آن هماهنگی دارد.

از دیگر قافیه‌های چهار حرفی شهر بهزاد میتوان به «آلم، آبها، آنیم، آعم، آکم، آید، اودی، آران، فته و ...» اشاره کرد.

۶-۵- قافیه با پنج حرف مشترک

قافیۀ پنج حرفی مجموعاً در یازده شعر به کار گرفته شده است که در ذیل نه نوع قرار می‌گیرد. از انواع برجستۀ این قافیه «اویم» با سه شعر «اینها» با یک شعر و «نغم» با یک شعر میباشد. چنانکه پیشتر نیز اشاره شد فراوانی حروف مشترک قافیه، موجب غنای موسیقایی بیشتر شعر میگردد. در این ارتباط در باب شعر بهزاد باید گفت اگرچه او اشعار چندان زیادی با این تعداد حروف مشترک قافیه نسروده است اما تنوع این نوع قافیه در شعر او نشان از توانایی او در انتخاب قافیۀ مناسب برای شعرش دارد.

از آنجا که قافیۀ «اویم» در اشعاری کوتاه و دو بیتی به کار رفته‌اند و قابلیت تحلیل چندان ندارد به دو نوع قافیۀ دیگر پرداخته میشود. قافیۀ «آنها» که شاعر آن را در قصیدۀ زیبای «خراسانها» به کار گرفته است و قافیۀ «نغم».

بهزاد به ستایش خراسان پرداخته است. البته علاوه بر دلایلی که ذکر شد دوستی دیرین او با برخی از ادبا و شاعران خراسانی مانند: اخوان ثالث و شفیعی کدکنی، در علاقۀ او به خراسان بی تأثیر نبوده است. در این شعر به مناسبت ستایش خراسان، شاعر کلمۀ «خراسانها» را در جایگاه قافیه قرار داده و همچنین این توجه به خراسان، نام خاقانی را در ذهن شاعر تداعی کرده است تا جایی که شاعر کلمۀ «خاقانها» را به عنوان قافیه به کار برده است:

| | |
|-----------------------------------|-------------------------------------|
| دیدم آن مایه محبت ز خراسانها | که فسون‌سازی و نیرنگ ز تهرانیها... |
| آفرین باد بر آن قوم که در ملک ادب | در خور افتد همه را دعوی سلطانیها |
| عالمانشان به خردمندی فاریها | شاعرانشان به سخن‌سازی خاقانیها (۴۱) |

از دیگر قافیه‌های پنج حرفی در شعر بهزاد میتوان به این موارد اشاره کرد: آزیها، ایدن، اینم.

۶-۶- قافیه با شش حرف مشترک

در این نوع قافیه، بهزاد تنها یک غزل سروده و در آن موسیقی ردیف را نیز در جهت القای بیشتر معنای مورد نظر خویش با قافیه همراه کرده است:

ما چه گفتیم و عزیزان چه شنیدند از ما که بیکبار چو بیگانه بریدند از ما؟ (۲۳۶)

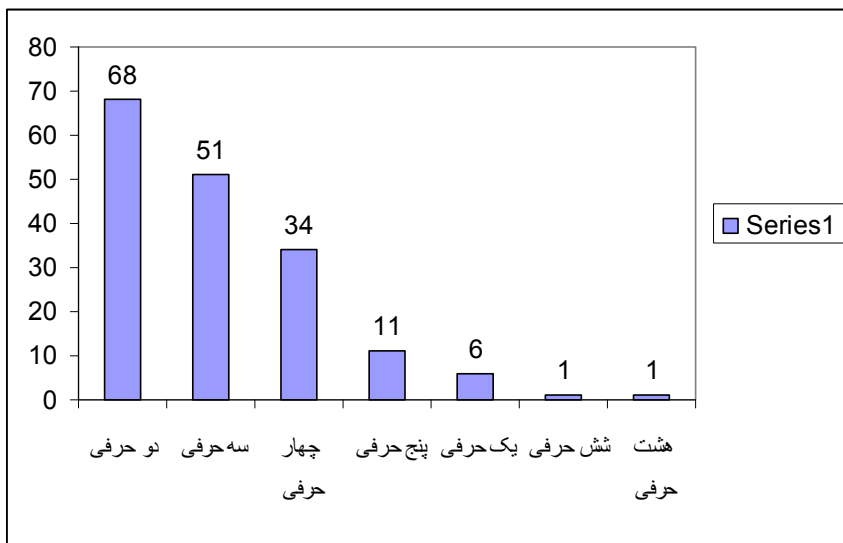
۶-۷- قافیه با هشت حرف مشترک

در این نوع قافیه شاعر تنها یک دو بیتی سروده است:

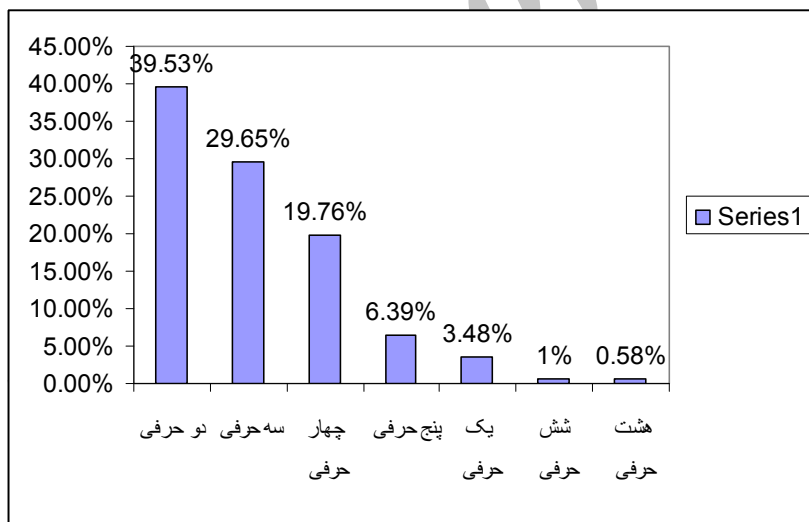
دلم سیمرغ صحرای عدم بود به افسونش در این گیتی کشاندند
به شوق آشیان تا پرنگیرد به راهش دانه عشقت فشاندند (۱۳)

در پایان این مباحث نمودار ستونی انواع قافیه در شعر بهزاد ارائه می‌گردد:

Archive of SID



نمودار ۱- انواع قافیه بر حسب تعداد اشعار



نمودار ۲- درصد انواع قافیه بر حسب تعداد اشعار

نتیجه

در سبک‌شناسی شعر، توجه به همه عناصر شعر از جمله قافیه ضروریست. قافیه در شعر یدالله بهزاد جایگاه ویژه‌ای دارد و قافیه در اشعار او اغلب با ردیف همراه شده که غنای موسیقایی افزونتری به شعرش بخشیده است. دقت در اشعار بهزاد و قافیه‌هایی که او به کار گرفته نشان می‌دهد که وی به خوبی به مسئله هماهنگی میان قافیه با موضوعات شعری آگاه بوده است. این شاعر توانا با توجه به تشخیص قافیه در میان کلمات شعر، بسیاری از کلمات و مفاهیم مورد علاقه خویش را در جایگاه قافیه قرار داده است تا از این طریق بر آن مفاهیم تاکید بیشتری کرده باشد.

تعداد حروف مشترک قافیه را در شعر بهزاد میتوان به هفت دسته تقسیم بندی کرد که قافیه‌های با یک حرف، دو حرف، سه حرف و گاه هشت حرف را در بر میگیرد. همانطور که در نمودار نشان داده شده است، قافیه با دو حرف مشترک بالاترین بسامد را در شعر بهزاد دارد. از انواع این قافیه، قافیه با حروف مشترک «-ن» در چهارده شعر، «-ر» در دوازده شعر، «-آر» و «-آن» هر کدام در یازده شعر، پرکاربردترین انواع قافیه در شعر وی است. پس از قافیه‌های دو حرفی، قافیه‌های سه حرفی تعداد بیشتری از اشعار را به خود اختصاص داده است. قافیه «-آنی» که در شش شعر به کار رفته است از قافیه‌های سه حرفی است. قافیه‌های چهار حرفی نیز مانند: «-آهم» و «-آئم» در پنج شعر، از بسامد نسبتاً بالایی برخوردار است.

منابع

- فرهنگ بزرگ سخن، انوری، حسن (۱۳۸۱)، ج ۶، تهران: سخن، اول.
- گلی بیرنگ، بهزاد کرمانشاهی، یدالله (۱۳۸۱)، تهران: آگه، اول.
- دیوان، خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل بن علی نجار (۱۳۷۸)، تصحیح ضیاء الدین سجادی، تهران: زوار، ششم.
- اساس الاقتباس، خواجه نصرالدین طوسی (۱۳۵۵)، تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران، دوم.
- معیار الاشعار، _____ (۱۳۶۹)، تصحیح جلیل تجلیل، تهران: جامی، اول.
- المعجم فی معاییر اشعار العجم، شمس الدین محمد بن قیس الرازی (۱۳۳۸)، تصحیح محمد قزوینی به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، تهران: کتابفروشی تهران، اول.
- برگ هایی از تاریخ بی قراری ما، عابدی، کامیار (۱۳۸۸)، تهران: ثالث، اول.
- آب و آیین، کزازی، میز جلال الدین (۱۳۸۴)، تبریز: آیدین، اول.
- مجله گوهرا، شماره ۱۷، خرداد ۱۳۸۷ ویژه نامه استاد یدالله بهزاد کرمانشاهی.
- موسوی گرمارودی، سیدعلی (۱۳۸۷)، «شعری ملتزم به بیداری» گوهرا، شماره هفدهم، خرداد ۱۳۸۷، صص ۶۱-۷۰.
- وزن شعر، ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۱)، تهران: توس، چهارم.
- فرهنگ قافیه در زبان فارسی، وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۱)، مشهد: دانشگاه فردوسی، اول.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۵۷)، «موسیقی کلمات در شعر فردوسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال چهاردهم شماره ۲، صص ۲۸۵-۲۵۲.